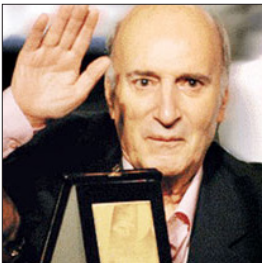


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## سلطان عکاسی طبیعت ایران که بود؟



نیکول فریدنی ۲۸ دی ۱۳۱۴ در شیراز به دنیا آمد. دست روزگار او را در سن ۱۴ سالگی به کرمان کشاند؛ جایی که قرار بود استعداد عکاسی او آنجا شکوفا شود. خودش ماجرای زندگی اش را این گونه تعریف می کند: «پدر من در طرح معروف «نرومن» شاغل بود و شخصی به نام «حسین شریفی» هم منصدی عکاسی «اصل چهار» بود. او گاهی از من می‌خواست در خشک کردن عکس‌ها کمکش کنم. بعد از مدتی با اصرار از حسین آقا خواستم اجازه دهم عکاسی کنم. ابتدا مخالفت کرد و گفت: «تو عکاسی بلد نیستی». راست می‌گفت بلد نبودم اما قول دادم زود یاد بگیرم.

پدرم وقتی علاقه مرا به عکاسی دید، یک دوربین ۳۵ میلی متری آرگوس برایم خرید. شب و روزم شده بود عکاسی.

سفارش اطرافیان باعث شد پدرم ۲ حلقه فیلم رنگی نگاتیورنگی آگفا از تهران بیاورد و من با وسواس، آنها را از آثار و طبیعت کرمان و اطراف آن پر کردم... بعد از مدتی، یک روز به دفتر پدرم در «اصل چهار» رفتم و عکس رنگی امامزاده دهستان را روی میزش دیدم؛ گفتم «این عکس را من گرفته‌ام». گفت نه. این عکس را یک آمریکایی گرفته و به من داده. گفتم مطمئنم این عکس را من گرفته‌ام. از همین زاویه، همین موقع روز خودم با دو چرخه گرفته بودم!

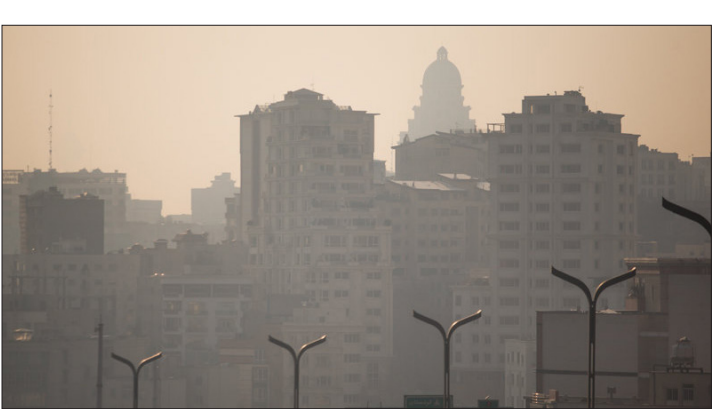
بالاخره پدرم کشوی میزش را باز کرد و تمام عکس‌هایی که من گرفته بودم و چاپ شده بود را بیرون آورد و به من داد. آن روز بهترین روز عمرم بود. این نقطه شروع کار عکاسی من بود». نیکول فریدنی، پدر عکاسی نوین و سلطان عکاسی طبیعت ایران در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۸۶ درگذشت.

### خودزنی / محیط‌زیست

## حبس هوای آلوده در ازدحام آسمانخراش‌ها!

بر اساس طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران، ساخت و ساز بیش از ۱۲ طبقه ممنوع است؛ با این حال در کوچه‌های ۸ متری شمال شهر برج‌های ۲۰ طبقه به بالا را می‌بینیم که هیچ توجیهی برای آن وجود ندارد. جدا از درس‌های زندگی شهری همچون ترافیک و مشکلات عبور و مرور ساکنان که با این آسمانخراش‌ها ایجاد می‌شود، تأثیر منفی این سازه‌ها در تهویه هوای پایتخت اثبات شده است. وزارت راه و شهرسازی طی هفته‌های اخیر به بررسی تأثیر برج‌سازی بر آلودگی هوای تهران پرداخت که نظرات مختلفی در این باره مطرح شد. عباس آخوندی در دومین کنفرانس بناهای بلند در ۹ دی ماه اظهار کرد: وقتی منطقه ۲۲ تهران طراحی می‌شد، اصرار مرحوم کارزونی وزیر مسکن دهه ۶۰ بر این بود که این منطقه به عنوان دالان باد تهران «کوتاه‌مرتبه» و با حداکثر فضای سبز باقی بماند؛ اما این همه ساختمان‌های بلند که در این منطقه احداث شده است جریان باد تهران را متوقف کرده و هیچ سازگاری با کیفیت شهر برای زندگی ندارد. در همان روز (۹دی ماه) رئیس جمهور نیز وارد قضیه شد. حسن روحانی با اشاره به درخواست دولت از وزارت راه و شهرسازی و شورای عالی شهرسازی، لزوم نظارت بر بلندمرتبه‌سازی در برخی مناطق شهری را مورد تأکید قرار داد و گفت: باید برای برج‌ها و ساختمان‌های بلندمرتبه، بخصوص آنها‌ی که در کریدور جابه‌جایی هوا قرار دارند، چاره‌اندیشی شود و حداقل از این به بعد از ساختن آنها در این گونه مناطق جلوگیری شود.

اما مطالعات علمی تأثیر منفی برج‌سازی در آلودگی هوای تهران را تأیید کرده‌اند و این در شرایطی است که به نظر می‌رسد مجوزهای ساختمانی زیادی در منطقه ۲۲ صادر شده و در حال صدور است. حامد مظاهریان معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی در این باره می‌گوید: به دلیل اینکه فرآیند صدور مجوز به ساختمان‌های بلند صرفا بر مبنای تقاضا و درخواست فرد بوده و به مسائل زیست‌محیطی این ساختمان‌ها از جمله جریان باد هیچ توجهی نمی‌شده است، الان با چنین وضعیتی در تهران از نظر آلودگی هوا روبه‌رو هستیم. انگشت اتهامات در این زمینه به سوی شهرداری‌ها نشانه گرفته شده اما شهردار تهران ضمن پرهیز دادن منتقدان از سیاسی و جناحی کردن آلودگی هوا از این مساله با عنوان چالش «مادر» یاد کرد.
قابلیاف در خصوص تراکم‌فروشی‌های پایتخت نیز با بیان اینکه در گذشته حتما تراکم‌فروشی وجود داشته است، گفت: کسانی در دهه ۷۰ طرح تفصیلی را در کشوی میزشان گذاشته و با افتخار سخنرانی می‌کردند و بعد در محله کارمینه به زمین‌های ۲۰۰ متری، مجوز ساخت ۲۵ طبقه دادند و تراکم‌فروشی کردند. امروز به نقد عملکرد شهرداری نشستند و جای سوال است که چرا آنها نقد می‌کنند؟ بنا بر اعلام شرکت کنترل کیفیت هوا، سواری‌ها ۴۸ درصد، موتورسیکلت‌ها ۲۲ درصد، خودروهای نیمه سنگین با احتساب اتوبوس‌ها، کامیون‌ها و مینی‌بوس‌ها ۲۴ درصد و خودروهای سنگین یک درصد از آلودگی هوای تهران را تولید می‌کنند که شهردار تهران چاره اصلی حل این مشکل را بهبود حمل و نقل عمومی می‌داند. به گفته کارشناسان، تهران به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و وجود کوه‌ها در سه طرف آن نمی‌تواند جابه‌جایی توده‌های هوا را به طور کامل داشته باشد و طی سال‌های اخیر بلندمرتبه‌سازی و ساختمان‌های بلند این امر را تشدید کرده است. با همه این احوال، بسیاری معتقدند تعیین ضوابط شهرسازی و معماری برای کنترل آلودگی هوای پایتخت، موضوعی حیاتی است. (منبع: ایسنا)



### یادداشت روز

## حاشیه برجام برای زبان فارسی!

حاشیه‌های رسیدن به روز اجرای برجام، به‌جز مسائل سیاسی، به زبان فارسی هم کشیده شد و این پرسش را به وجود آورد که «خوان آخر برجام» یا «خان آخر برجام»؛ کدام شکل نوشتار درست است؟ رضا شکراللهی در پاسخ به این پرسش در یادداشتی نوشت: «چکیده بحث املا‌ی هفت‌خان و هفت‌خوان را استاد کزازی گفته‌اند. اینکه هر دو این واژه‌ها درست‌اند. یکی از جهت معنا که با واژه خانه هم‌ریشه است و دیگری از جهت صورتی که در متن‌های کهن ثبت و ضبط شده و خان را با واو نوشته‌اند و بعد توجیهی برای آن یافته‌اند مبنی بر سقره (خوان) گستردنِ پهلوان پس از عبور از هر مرحله و منزل، که توضیح و توجیهی بی‌پایه به نظر می‌رسد.

ریشه‌یابی کاربرد «خوان» در معنای «خان» کار یک زبان‌شناس و لغت‌شناس است. بحث درباره هفت‌خوان به سادگی بحث درباره پیشخوان و پیشخان نیست، با کمی بررسی می‌توان گفت که «پیشخوان» املا‌ی نادرست اما رواج‌یافته‌واژه «پیشخان» است و اگر کسی دغدغه درست‌نویسی دارد، بهتر است آن را به صورت پیشخان بنویسد.

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

## سربازی در نقطه صفر

**نگاهی به رمان «نُه مرگ» نوشته هادی معصوم دوست**

به قلم هادی معصوم‌دوست پیش از این رمان «به شیوه کیان فتوحی» عرضه شده بود؛ رمانی که از بسیاری جهات درونی و بیرونی با کار تازه او «نُه مرگ» که به همت نشر چرخ منتشر شده متفاوت است. تفاوت‌هایی که از همین جایی توان رد آن را گرفت، چرا که «به شیوه کیان فتوحی» نتوانست رسماً منتشر شود و نویسنده آن را به صورت الکترونیک در فضای مجازی منتشر کرد. چنین انتشاری که نویسنده نیز در آن تردید داشته هنوز چنان جان‌نیفتاده که منجر به دیده شدن درست اثر شود. به هر روی این رمان به لحاظ درون‌متنی نیز حکایت از رویکردی دیگرگونه داشت. با مضمونی شهری و خط داستانی پرتنگی که وقایع آن در باره زندگی مردی از طبقه متوسط تهران بود. اما هادی معصوم دوست لااقل برای دور شدن از دست‌اندا‌زهایی که در آن کتاب دست به گریبانش بود؛ ترجیح داده پایتخت را رها کند و راهی ناکجاآباد شود.

نخست اینکه در این رمان آن حرکت پرتنگ بیرونی داستانی، جای خود را به یک حرکت بطنی داده و در واقع روایت درونی‌تر شده و به تناسب آن، مخاطب نیز تغییر و تحولات داستان و آدم‌ها را باید در لایه‌های درونی داستان جست‌وجو کند که البته پیچیده نیز هست.

روایت در این رمان بریده بریده است، با شکست زمانی و مکانی. نه آنگونه که تو در تو باشد بلکه با کیفیتی پازل‌وار که دقت و درایت خواننده را می‌طلبد تا در طول خواندن این روایت، قطعه قطعه پازل‌ها در کنار هم قرار گرفته کامل شوند؛ هرچند امکان دارد خلأهایی دیده شود که گاه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

حال و هوای رمان «نُه مرگ» نه شهری‌ست و نه روستایی؛ ناکجاآبادی که شخصیت اصلی رمان به آنجا رسیده در واقع تبعیذگاهی است که گریزی از آن وجود ندارد. پاساگاهی بین شهری که تنها وسیله ارتباطی آن مینی‌بوسی است که بی‌اجازه کسی را بر نمی‌گرداند. چنین جغرافیای

### گردش روزگار برعکس است



**ببخشید داداش! آتیش داری؟؟**

**طرح: کنستانتین سیوسو/رومانی**

### با کاروان حله / اخبار هنر

## خوش لباس‌های جوایز اسکار ۲۰۱۶

پوشش بازیگران در مراسم اهدای جوایز سینمایی، نظر مردم و رسانه‌ها را به خود جلب می‌کند. با معرفی نامزدهای جایزه اسکار امسال، علاقه‌مندان دنیای مد و ستاره‌های سینمایی صبرانه منتظرند تا ببینند این هنرمندان با چه لباسی روی فرش قرمز حاضر می‌شوند. سایت‌ها هو در گزارشی به پیشواز مراسم فرش قرمز ۲۸ فوریه‌رفته‌و تعدادی از شیک‌پوش‌ترین بازیگران این مراسم را معرفی کرده است: ادی

ردمین، بازیگر بریتانیایی که برای نقش خود در فیلم «دختر دانمارک» نامزد دریافت جایزه شده، همیشه با لباس‌هایی کاملاً هماهنگ در مراسم فرش قرمز حضور داشته است. او علاقه زیادی به لباس‌های خوش‌دوخت دارد. تام هاردی، بازیگری که به‌عنوان نامزد بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای نقش خود در «بازگشته» معرفی شده، استایل خاص خود را دارد. کت و شلوار و جلیقه او همیشه با لوازم جانی خاصی مانند ساعت جیبی و سنجاق کراوات‌های فانتزی همراه می‌شود. با چنین حمایت‌جمعی و اطمینانی که امسال در مورد نوارندی‌دی‌کاپر یو برای دریافت اولین جایزه اسکارش وجود دارد، شکی نیست که همه چشم‌ها به او خواهد بود. با توجه به این موضوع امیدواریم نامزد بهترین بازیگر مرد امسال با لباسی به صحنه آید که همه را تحت تأثیر قرار دهد. مارک روفالو هم خواهد یک توکسیدوی رسمی ساده‌به‌تن کند. یک‌کت ورزشی، همیشه موفق شده به لباس فرش قرمز خود با تزئینات فانتزی جلوه خاصی بدهد. مایکل فاسبندر ۳۸ ساله هم معمولاً لباس رسمی سیاه‌به‌تن می‌کند که همیشه بدون عیب‌و نقص دوخته‌شده‌است.

برکرده خویشتن چوبگام چشم
بر هم زدن از ترس نمی‌بارم چشم
این دیده شوخ بین که من چندین سال
بد کردم و نیکی از تو می‌دارم چشم!
(سپ فرغانی، قرن هفتم، غزلیات)

## سوت پایان



**نُه مرگ**  
نویسنده: هادی معصوم‌دوست  
انتشارات چرخ  
قیمت: ۱۲ هزار تومان  
۱۷۹صفحه

نُه مرگ  
نویسنده: هادی معصوم‌دوست  
انتشارات چرخ  
قیمت: ۱۲ هزار تومان  
۱۷۹صفحه

رفتم و بر گشت میان واقعیت و روپا که از تخیل نویسنده سرچشمه گرفته، و جوه مهمی به رمان داده است؛ که هم می‌تواند تأثیری مثبت داشته باشد و هم تأثیری منفی؛ چنانکه موجب دشواری ارتباط با آن شود. با این حال نویسنده کم و بیش از این خطر جسته است و این جنبه‌های مبهم و هذیانی در طول رمان رفته‌رفته کنار می‌روند و لایه درونی داستان خود را نشان می‌دهند. در «نه مرگ» خشونت حضوری پررنگ دارد. گویی نویسنده خشونتی را که زندگی مدرن و جامعه پیرامونش دارد، به این شکل در فضای ناکجاآبادی بروز داده است. مفهوم انتظار یکی از ایده‌های مهم مطرح‌شده در این رمان است. انتظاری که بر ذهن و روان آدم‌ها سایه افکنده و قرار است به رهایی بیانجامد. رمان نه مرگ رمانی کم و بیش استوار بر تجربه‌گرایی است. از نویسنده‌ای که می‌کوشد راه خود را ادبیات داستانی امروز پیدا کند. (منبع: الف)

## اکران فیلمی از کیارستمی پس از ۳۸ سال



انجمن فیلم کوتاه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس در ادامه برنامه نمایش هفتگی فیلم‌های کوتاه و مستند مطرح ایران و جهان، چهارشنبه ۳۰ دی ماه، فیلم «گزارش» ساخته عباس کیارستمی، یکی از موفق‌ترین آثار این فیلم‌ساز را نمایش می‌دهد. برنامه یادشده، ساعت ۱۸ در تالار حافظ اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس-مسالن غزل-برگزار می‌شودو حضور

در آن، برای تمامی علاقه‌مندان آزاد است. این اثر سینمایی به نوعی نخستین اثر بلند عباس کیارستمی محسوب می‌شود که در سال ۱۳۵۶ خورشیدی ساخته شده و به زندگی یک کارمند اداره دارایی پرداخته که در ابتدا او را به دلیل دریافت رشوه از کار معلق می‌کنند و از همان جا مشکلات وی بخصوص با همسرش آغاز می‌شود. عباس کیارستمی در سال ۱۳۵۴ دو فیلم کوتاه «من هم می‌توانم» و «دو راه حل برای یک مشکل» را کارگردانی کرده است و این فیلمساز در اوایل ۱۳۵۵ نیز فیلم کوتاه «رنگ‌ها» و به دنبالش فیلم ۵۴ دقیقه‌ای «لیاسی برای عروسی» را ساخت. فیلم «گزارش»، حول زندگی مامور مالیاتی متهم به رشوه‌گیری، همراه با تم خودکشی است که اولین اثر سینمای ایران بود که گزارشی عینی از روابط پیچیده زوجی جوان را در جامعه‌ای که در بزخ بین سنت و مدرنیسم دست و پا می‌زد، ارائه داد و ترکیب واقع‌گرایی و هنر، و شکستن مرز ظریف بین آن دو در این اثر، منتقدان را غافلگیر کرد. فیلم «گزارش» چهارشنبه ۳۰دی در تالار حافظ فرهنگ و ارشاد فارس، نمایش داده می‌شود.

اسامی برخی رستوران‌ها، بنابراین می‌توان املا‌ی «هفت‌خوان» را به جهت کاربرد آن در متون کهنِ پهلوانی، به همان حوزه محدود نگاه داشت و در سایر موارد، فقط از «خان» استفاده کرد و مثلاً به جای تیتَر «خوان آخر برجام»، نوشت «خان آخر برجام». یعنی از واژه‌ای استفاده کنیم که هم در «چشم» فارسی‌گویان امروز به «خانه» نزدیک‌تر است و هم در «ذهن» ایشان، همان «هفت‌خوان رستم» را تداعی می‌کند.»

میرجلال‌الدین کزازی هم درباره اینکه نگارش «هفت‌خوان» درست است یا «هفت خان» توضیحی ارائه کرد. او در پاسخ به این سوال که در این ترکیب، آیا واژه «خان» درست است یا «خوان»، اظهار کرد: پاسخ من به این پرسش این است که هر دو این واژه‌ها می‌توانند درست بود. از دو دید؛ یکی آن است که خان با واژه خانه هم‌ریشه است، زیرا جایی است که پهلوان چندی در آن به سر می‌برد و کار بزرگ پهلوانی خود را به انجام می‌رساند؛ پس باید با الف نوشته شود. اما اگر خان را با واو هم بنویسیم بی‌راه نیست، زیرا در متن‌های کهن خان با واو نوشته شده است.

اما آنچه من می‌توانم به بحث هفت‌خوان و استفاده از «خان» یا «خوان» اضافه کنیم، دونکنه است. یکی آنکه دواملا‌یی بودن این واژه را مثل شماری دیگر از واژه‌های چنداملا‌یی، به طور رسمی بپذیریم. همچنان که در عمل هم چنین است. دواملا‌یی بودن این واژه از قدیم هم جاری بوده و هرچه بیشتر در متون کهن می‌چرخیم، بیشتر سرگرد می‌شویم. بنابراین می‌توانیم مثل اغلب مردم به آن رسمیت ببخشیم و تصحیح بگیریم در این باره به کسی خرده نگیریم. کار و راه دیگر این است که به سمت وحدت رویه حرکت کنیم. مثلاً در واژه‌سازی نظامی، از خیلی قبل، واژه «خان» را برای لوله تفنگ ثبت کردند و اصطلاح «خان‌کشی» را هم برای آن ساختند که هنوز هم به همین صورت استفاده می‌شود. افزون بر این، همان‌طور که برخی ادیبان از جمله جناب کزازی هم اشاره کرده‌اند، صورت «خوان» در مرتب‌دوم برای این استفاده مجاز است. یعنی ادیبان می‌گویند درست آن خان است، اما خوان هم غلط نیست. دیگر آنکه معنای اصلی «خوان» همان سقره طعام و غذاست با کلی ترکیب که خیلی هم کار برد دارند. یک نمونه‌اش در